هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

۲۶ دلـو،
روز پیروزی جهاد و مقاومت مردم افغانستان ص۲

عکس العمل های مجلس سنا در برابر تلفات ملکی توسط نیرو های ائتلاف ص۷

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ سی و ششم شنبه ۲۶ دلو ۱۳۸۷ - ۱۸ صفر ۱۴۳۰ - ۱٤ February ۲۰۰۹

استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت:

۲۶دلو پیروزی یک ملت مظلوم دربرابریک قدرت مستکبر

۲۶دلویک روزعمدهٔ تاریخی در افغانستان است،باید این روز درضمیرفرد فرد مردم افغانستان به خصوص نسل جوان ما زنده بماند واین پیروزی بزرگ که نصیب ملت افغانستان شده است، نباید فراموش گردد این روزحماسه تاریخ افغانستان است.

این قربانی های مجاهدین نباید ضایع شود، حوادثی که بعداً پیش آمد، یقیناً طبق خواست مردم افغانستان نبوده وسبب شده که یک سلسله نا بسامانی ها ومشکلات دیگری به میان بیاید، پیام من این است ازاین به بعد باید برای ایجاد یک زمینه جدید برای حیات ملی مان کاربکنیم و باحفظ ارزش ها، بسوی وحدت ملی گام برداریم.

***

عمده ترین دست آورد ما آزادی و بیرون راندن ارتش سرخ بود، قدرتی که تصورشکست در فکرش جای نداشت وافغانستان را جزء اقمارخود میدانست،اما متأسفانه بعد ازپیروزی دراثرتوطیه های کلان بین المللی و منطقه، مجاهدین نتوانستند حکومت نیرومند بسازند.



یاد بیستمین سالروز اخراج نیروهای اشغالگر اتحاد شوروی فرخنده باد!



آقای رئیس جمهور

دوران ریاست جمهوری شما در اول جوزای ۱۳۸۸ به پایان می رسد

احمد مهدي

حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان در مصاحبه ها و سخنرانی های اخیر خویش گفته است نمی داند دورهٔ ریاست جمهوری وی در اول جوزای سال ۱۳۸۸، پایان می یابد یا در قوس ۱۳۸۸. وی افزوده است مدتی است که با قانون دانان و مسوئین ارگان های دولتی در این زمینه مشوره دارد تا حقیقت این موضوع را درک کند.

رئیس جمهور این گفته را در مصاحبهٔ مشترک مطبوعاتی با بان کی مون سر منشی سازمان ملل در جواب سوالی بیان نمود، بعداً آن را در مصاحبهٔ مطبوعاتی مشترک با آقای بالکننده صدر اعظم هالند در ۲۲ دلو تکرار کرد.

۱- همه می دانند، رئیس جمهوری نیازی برای رایزنی و مطالعهٔ بیشتر ندارد تا بداند که آیا در

ادامه ص۶

د سلواغی شپږ ویشتمه

د سور ښکیلاک د ماتې، او د نورو لپاره عبرت ورځ

۶ مخ

کنفرانس امنیت

و ابعاد ناشناختهٔ نا امنی ها

ص۲

نه سال، یک ماه و هجده روز

پس از تجاوز

ص۴

غزه و پیروزی افراط گرایان در انتخابات اسرائیل

ص۵

۲۷ قربانی در حمله بر شهر کابل

ص۶

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۰۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid۱۳۵۷@Yahoo. com

سرمقاله

۲٦ دلـو،

روز پیروزی جهاد و مقاومت مردم افغانستان

۲۰ سال قبل در ۲٦ دلو ۱۳٦۷ آخرین نظامی ارتش سرخ خاک افغانستان را ترک کرد. ۲٦ دلو روزی بود که ثابت ساخت تصمیم رهبران اتحاد شوروی برای اشغال کشورما و حمایت از رژیم مزدور خلق و پرچم ناشی از یک رویکرد اشتباه آمیز و جنایتکارانه بوده است.

۲٦ دلو پیروزی یک ملت فقیر و ضعیف در برابر ابر قدرت وقت را به نمایش گذاشت، مجاهدان به هیچ وجه از نگاه توازن نیرو با امپراطوری بزرگ اتحاد شوروی قابل مقایسه نبودند. علاوه بر این، حکومت در افغانستان در دست گروهی وابسته بود که از اشغالگران حمایت می کرد. آنچه که مجاهدین را پیروز گردانید پس از عنایت الهی، حمایت وسیع مردم از جهاد، قدرت ایمان، فداکاری و عدم توقع و چشمداشت مجاهدین در فداکاری ها و مجاهدت های آن ها بوده، در پهلوی آن، اشتباهات، جنایت ها و حماقت های رژیم خلقی که نفرت مردم را در برابر آن ها برانگیخته بود، امتیاز دیگر برای مجاهدین به شمار می رفت.

خروج اتحاد شوروی در ۲٦ دلو نشان داد که مجاهدین و مقاومت گران کشورما توانستند اتحاد شوروی و پیمان وارسا را با شکست روبرو سازند، در نتیجهٔ این شکست اتحاد شوروی فروپاشید، شمار زیادی از کشورها استقلال خود را به دست آوردند، دیوار برلین نماد جدایی شرق و غرب فرو ریخت و جنگ سرد و رویا رویی امریکا و شوروی که در نتیجهٔ آن خطر برخورد هسته یی چون ابر سیاهی بر سر مردم دنیا سایه افگنده بود بر طرف شد.

اما جهان در برابر این فداکاری و پیروزی بزرگ مردم افغانستان احساس مسؤولیت نکرد، پس از پیروزی علاوه بر این که هیچ گونه کمکی برای مردم افغانستان و مجاهدین در جهت ساختن دولت و بازسازی ویرانی های جنگ صورت نگرفت، بلکه قدرت های جهانی و برخی کشورهای همسایه، برای ناکام ساختن مجاهدین و تخریب روند حکومت سازی در افغانستان دست به کار شدند، به اختلافات درمیان گروه های مجاهدین دامن زدند و جنگ های داخلی را تقویت کردند.

این یک اشتباه بزرگ در رابطه با افغانستان و مجاهدین بود که آنها سرانجام به آن پی بردند و دانستند که یک افغانستان با امن و دارای دولت و اقتصاد با ثبات می تواند به نفع امنیت آن ها نیز باشد. اما اصلاح این اشتباه نا وقت صورت گرفت، پس از پرداختن بهای سنگین.

اکنون که جامعهٔ جهانی و قدرت های بزرگ به افغانستان توجه دارند و گویا برای کمک به افغانستان آمده اند، باید از گذشته درس بگیرند، هم از اشتباهات اتحاد شوروی و هم از اشتباهات گذشتهٔ خود شان.

حمایت از یک گروه فاقد استراتیژی ملی و حمایت مردمی اشتباهی بود که اتحاد شوروی مرتکب آن شد. رعایت ویژگی های فرهنگی و اجتماعی جامعهٔ افغانستان و در نظر داشت مصالح علیای کشور می تواند خارجیان را از ارتکاب این نوع اشتباه برهاند.

کنفرانس امنیت

و ابعاد ناشناختهٔ نا امنی ها

وحید مژده

در هفته ای که گذشت، کنفرانس امنیتی ودفاعی در مونیخ آلمان برگزار گردید که در آن نمایندگانی از کشور های مختلف جهان شرکت کرده بودند. این کنفرانس به هدف بررسی راه های تأمین امنیت بهتر برای جهان در نیمهٔ دههٔ شصت میلادی به میان آمد که هدفی نهایت مهم و حیاتی است اما سؤال این است که آیا در کنفرانس مونیخ به سؤالات اساسی در رابطه با عوامل ناامنی در جهان جواب داده شد؟

حل معقول هر مشکل نیاز به ریشه یابی آن مشکل دارد، اما در مونیخ به ریشه های ناامنی و خشونت در جهان توجهی نشد زیرا هدف این کنفرانس وکنفرانس های مشابه آن، حل ریشه یی مسایل نیست. به عبارهٔ دیگر در چنین کنفرانس ها برخورد سخت افزاری با مشکلات مطرح بحث است و راه حل های نرم افزاری اگر احیاناً مطرح شود، فقط در حد مسایل حاشیوی، مجال مورد توجه قرار گرفتن دارد.

این کنفرانس به وضوح تحت تأثیر تغییر در قصر سفید قرار داشت و مسألهٔ افغانستان بر آن سایه افگنده بود. هرچند یک روز بحث این کنفرانس، به مسألهٔ افغانستان اختصاص یافته بود اما در روزهای دیگر هم صحبت ها، بدون اشاره به مشکل افغانستان مطرح نشد.

ریچارد هالبروک نمایندهٔ خاص رئیس جمهور اوباما در افغانستان و پاکستان، در این کنفرانس ارزیابی تیره ای از وضع در افغانستان داشت. او به مشکلات فراراه مبارزه علیه تروریسم در افغانستان اشاره کرد و در مقایسه میان افغانستان و عراق، جنگ افغانستان را دشوارتر و مسایل این کشور را پیچیده تر از عراق خواند. وی گفت که در افغانستان یک جنگ طولانی و دشوار در پیش است و ما انتظار معجزه را نداریم.

سخن دیگری که در این کنفرانس به آن اشاره شد، این بود که آیندهٔ پیمان ناتو در افغانستان رقم خواهد خورد. این هشدار متوجه آن دسته از کشورهای عضو ناتو است که علاقهٔ زیادی به جنگ در افغانستان ندارند و مناطق امن تر را برای فعالیت های خود برگزیده اند.

هدف این کنفرانس را می توان تلاشی برای جلب همکاری های بیشتر میان کشور های عضو ناتو، به شمار آورد. این خود نشان می دهد که جهان غرب به این باور است که امنیت را باید با نیروی نظامی تأمین نمود. هنوز هم بهانهٔ هر جنگی که از جانب قدرت های سلطه طلب به راه می افتد تأمین صلح و امنیت جهانی است در حالی که شکست این تجربه، بارها به اثبات رسیده است. در این مورد جیمز جونز مشاور امنیتی باراک اوباما گفت که در گذشته در امریکا توجه زیاد به راه حل های نظامی بود.

توجه به راه حل نظامی امروز هم در دستور کار اوباما قرار دارد و قرار است تعداد بیشتری نیرو به افغانستان اعزام گردد. تلاش امریکا این است که کشور های دیگر عضو ناتو هم به اقدام مشابه دست بزنند. در این کنفرانس وزیر دفاع انگلستان هم گفت که زمان زمان جنگ است، نه دیوان سالاری. باید توجه بیشتر به جنگ مبذول گردد.

سخن ریچارد هولبروک در مورد جنگ در افغانستان، به خوبی گویای این حقیقت است که امریکا و غرب هنوز نمی خواهند بگویند که واقعاً در جهان چه می گذرد. هولبروک در مورد افغانستان گفت که ابعاد این منازعه هنوز شناخته نشده است. سؤال این جاست که وقتی ابعاد یک منازعه هنوز شناخته نشده است، پس چگونه می توان برای آن به تدوین راهبرد و استراتیژی پرداخت؟

در این سخن ها فقط به ابعاد ناشناختهٔ منازعه اشاره می شود در حالی که شناخت این ابعاد زیاد مشکل نیست. ما در جهانی زندگی می کنیم که یک قدرت قصد حاکمیت بر جهان را دارد. این قدرت می خواهد ارزش های تمدنی خود را بر دیگران تحمیل نماید و هیچ منطق دیگری را هم نمی پذیرد.

> **آقای کرزی به عنوان یک عضو سابق تحریک طالبان این گروه بهتر از دیگران می شناسد. طالبان در عمل نشان داده اند که بخشی از حرکتی هستند که القاعده در جهان به راه انداخته است. اگر ملا محمد عمر به جدایی از القاعده راضی می شد، امروز فرصت حکومت به آقای کرزی نمی رسید و امارت اسلامی که طالبان در افغانستان به میان آورده بودند برقرار باقی می ماند**



غرب از جهانی شدن سخن می گوید. سخنان تازه در بند هواداران بر شر و شوری برای خود دست و پا می کند اما به تدریج زمانی فرا می رسد که نظریات در میدان عمل به مشکل بر می خورد و در نتیجه شعار ها از نفس می افتد. مگر کمونیسم هفتاد سال اندیشهٔ انسانی را در پشت حصاری از پندار های واهی معطل نکرد؟

عصر ما عصر سرعت در انتقال افکار و اندیشه ها و در نتیجه عصر انتقال انگیزه ها و انگیخته هاست. رسانه یی شدن روابط بین المللی که گام نخست در جهت جهانی شدن تلقی می شود، به گرایش های متفاوت مجال وارد شدن در عرصهٔ رسانه ها را داده و رقابت هایی را برانگیخته که در سابق در انحصار گرایش های خاص بود. امروز در جهان شبکهٔ الجزیره بیشتر از سی ان ان بیننده دارد که خود نشان از یک تغییر بزرگ است. این کار فرصت کانالیزه کردن افکار مردم را از رسانه های تحت کنترول قدرت های سلطه گر گرفته است.

امروز وقتی ادعا می شود که جهانی شدن یک پدیدهٔ الزامی است، پس این پدیده از خود تبعات مثبت و منفی دارد. مگر ممکن است کشوری که مدعی تحکیم دموکراسی در جهان است، تبعات مثبت و منفی را بر بنیاد منافع مادی خود تعریف کند و در تلاش حذف تبعاتی از جهانی شدن، به زور متوسل گردد به این دلیل که با منافعش در تضاد است؟

وقتی زنی در غزه بر جنازهٔ طفل شهید خود فریاد سر می دهد، انگیخته یی است که انگیزه ایجاد مي کند و این انگیزه بر بال موج می نشیند و در یک چشم بهم زدن به گیرندهٔ تلویزیون مثلاً در وزیرستان شمالی می رسد. چگونه می توان بر این انگیزه چشم فرو بست؟ چگونه می توان ادعا کرد که ابعاد این منازعه ناشناخته است؟

این مشکل ناشناخته نیست، بلکه هستند کسانی که تعمد دارند تا به مواردی که به این شناخت کمک می کند چشم فرو بندند.

مخالفین این سخن به این باورند که بنیادگرایان در جهان اسلام از مسألهٔ فلسطین برگ انجیر درست کرده اند تا با آن عورت خود را بپوشانند. مسألهٔ فلسطین فقط یک بهانه است تا آنان عناصر سرخورده از وضع در جهان اسلام را، به سوی خود بکشند. خشونت گرایان از این مسأله به شکل یک حربه علیه غرب استفاده می کنند.

گرفتم که این سخن درست باشد، اما اگر قصد غرب تأمین امنیت در جهان است پس چرا نمی خواهند این حربه را از دست گروه های خشونت گرا بگیرد؟ غربی که حتی به بهانهٔ تأمین امنیت در جهان به کار پر منفعت فروش جنگ افزار مشغول است، بیشتر از بنیادگرایان در جهان اسلام از این واقعه سود می برد.

در این کنفرانس رئیس جمهور کرزی در مورد دست آوردهای هفت سال حکومت خود سخن گفت و از کارکرد های خود دفاع کرد. وی در مقایسه با دیگرن تمایل به صلح و تفاهم با طالبان نشان داد اما با این شرط که با القاعده تماس نداشته باشد و قانون اساسی افغانستان را بپذیرند.

این سخن اگر فقط به منظور جلب توجه حضار محترم بیان شده باشد، بد نیست اما حقیقت این است که صلح با طالبان دشوارتر از جنگ با آنهاست. آقای کرزی به عنوان یک عضو سابق تحریک طالبان این گروه بهتر از دیگران می شناسد. طالبان در عمل نشان داده اند که بخشی از حرکتی هستند که القاعده در جهان به راه انداخته است. اگر ملا محمد عمر به جدایی از القاعده راضی می شد، امروز فرصت حکومت به آقای کرزی نمی رسید و امارت اسلامی که طالبان در افغانستان به میان آورده بودند برقرار باقی می ماند.

استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت:

۲۶ دلو پیروزی یک ملت مظلوم دربرابر یک قدرت مستکبر



تلویزیون نور به مناسبت ۲۶ دلوسالروز خروج قوای اشغالگر وس از افغانستان مصاحبه یی را با استاد برهان الدین ربانی انجام داده است، که اینک متن این مصاحبه خدمت خوانندگان محترم تقدیم است.

جناب استاد ازاهداف وانگیزه های تجاوزقشون سرخ به افغانستان بگویید؟

بسم الله الرحمن الرحیم، در این شکی نیست که اتحاد شوروی به اساس یک استراتیژی که از دوران تزارها به ارث گرفته بود، رسیدن به آب های گرم و پیشروی به سوی جنوب را یکی از اهداف استراتیژیک خویش قرار داده بود این از یک طرف و ازجانب دیگر، چند انگیزهٔ دیگر هم باعث تهاجم روس ها به افغانستان شد. یکی سیاست لگام گسیختهٔ دوران برژنف بودکه با غرور بیش از حد، بدون هیچ تأمل، تصمیم گرفت بر کشور ما هجوم بیاورد. در عین حال کسانی که عمال اتحاد شوروی بودند و درافغانستا ن حاکمیت داشتند خود را مهم جلوه دادند و روس ها را تحریک کردند تا به افغانستان نیرو بفرستند.

عامل دیگری که باعث تجاوز روس ها به افغانستان شد این بود که آنها فکر می کردند در مدت بسیارکم و بدون مقاومت، قضیهٔ افغانستان را گویا حل می کنند. مردم افغانستان را سرکوب می نمایند و روحیه آزادی خواهی را درگلوی آنها خفه خواهند کرد.

روی این عوامل اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان لشکرکشی کرد.

چه چیز مردم افغانستان را برای قیام دربرابر اتحاد جماهیرشوروی واداشت؟

انگیزهٔ اساسی این قیام انگیزه های اعتقادی ودینی بود،مردم احساس کردند که دین شان از طرف اتحاد شوروی و کمونیست ها به خطر افتاده است و در عین حال، انگیزهٔ آزاد منشی و استقلال طلبی در تحریک مردم بسیار تأثیر گذار بود، این انگیزه نسل در نسل درمیان مردم مسلمان افغانستان وجود داشته است، این ها همه دست به دست هم داده باعث شد مردم تجاوز را نپذیرند و دست به قیام بزنند.

چه چالش های درآن زمان فراروی نیروهای مجاهدین بود؟

نهضت اسلامی در خط مقدم دفاع از سرزمین و استقلال کشور قرار داشت. این نهضت خیلی جوان بود و چندان شناختی در بین مردم و در سطح بین المللی نداشت، این یکی از چالش ها بود.

بدون شک مشکلات مالی و لوژستیکی چالش های دیگری بودکه فرا راه مجاهدین قرار داشت. در ابتدا مجاهدین از سلاح های بسیار قدیمی که اکثر برای شکارساخته شده بود، استفاده می کردند

ناآشنایی قیام کنندگان به کار نظامی چالش دیگری بود: زیرا سران نهضت بیشتر برخاسته از محیط دانشگاهی بودندکه حتی در زندگی شان یک روز هم با سلاح و تفنگ سر وکار نداشتند، آنها کارهای نظامی را آغاز می کردند اما چیزی از وسایل نظامی نمی فهمیدند.

در آغاز قیام، مردم چه پیش بینی می کردند؟

وقتی که جهاد آغاز شد بسیاری از مردم در داخل و بیرون از مرزها، این قیام را به مسخره می گرفتندو به این باور بودند که اینها بدون تشکیلات منظم وآمادگی های کامل، دست به قیام زده اند که عواقب خطرناکی دارد.

همچنان در روزهای اول کشورهای اسلامی و دیگر کشورها این جرأت را در خود نمی دیدند که از قیام ما حمایت کنند.

استاد طوری که شما اشاره کردید، مجاهدین افغانستان در یک نبرد کاملاً نابرابر با دستان خالی وارد معرکه شدند، در این میان مردم افغانستان به ویژه مجاهدین را چه انگیزه های امیدوار به پیروزی می کرد؟

انگیزه یی که برای ما اطمینان می بخشید، ایمان و اعتقاد به نصرت الهی بود، وقتی مجاهدین قیام کردند، بدون شک به خاطر خدا و سرزمین شان بود، می دانستند که ما در برابر قدرت متجاوز قیام کرده ایم خدا ما را تنها نمی گذارد. با باور به یک تکیه گاه مستحکم اعتقادی، قیام صورت گرفت و تاآخرین روزهای پیروزی، این تکیه گاه ما پا برجا بود. زیرا خداوند به مسلمانان وعده می دهد و می فرماید: "آنانی که در راه ما مبارزه می کنند بدون شک ما راه های پیروزی را برای شان نشان می دهیم و خداوند (ج) با نیکوکاران است.

باورها و اعتقادات مردم یکی از عوامل پیروزی مجاهدین افغانستان بود، اما برخی ها معتقدند که عوامل دیگری چون کمک های کشورهای خارجی به مجاهدین افغانستان موثر بود، واقعاً این گونه کمک ها و پیروزی مجاهدین افغانستان چه نقشی داشت؟

شکی نیست که وسایل مادی هم بی اثر نیست، اما وقتی مجاهدین قیام می کردند و قدم های اولیه را برداشتند، بخشی از وسایل و ابزارهای جنگی را از دشمن گرفتند، تا این لحظه ها هم هیچ نوع کمکی ازطرف هیچ کشوری برای مجاهدین صورت نگرفته بود واگرایمان واعتقاد راسخ نمی بود به دست آوردی نایل نمی شدیم. وقتی دنیا دانست که مردم ما اراده قوی برای استقلال وآزادی دارند، آنها هم تمایل نشان دادند وکمک کردند، اما کشورهای مسلمان ویا غیرمسلمان اهداف خودرا دنبال می کردند، به هر حال کمک وجود می داشت یا نمی

داشت مجاهدین تصمیم خودرا گرفته بودند، اراده قوی داشتند وامید وار به پیروزی بودند وخداوند آنها را به پیروزی رساند.

جناب استاد مهمترین عامل شکست نیروهای اتحاد شوروی را درچه میدانید؟

شکست اتحاد شوروی در افغانستان عوامل متعدد دارد، یکی از این عوامل این بود که روس ها در آغاز تجاوز فکرمی کردند آنها به یک جنگ کوتاه مدت می روند، فکرنمی کردند بامقاومت سرسختانه روبرو خواهندشد. وقتی با تصمیم واراده آهنین مجاهدین روبروشدند، سرخورده ومتردد گردیدند حتی خودشان هم پی بردند که به ناحق این جا آمده اند و اشتباه کردند، تردد به ناحق بودن باعث شکست شان شد وسرافگنده ازکشورخارج گردیدند.

یکی ازمسایلی که درنزد مردم افغانستان سوال برانگیزاست این است که انتظارمی رفت بعد ازخروج روس ها حکومت دست نشانده شان درافغانستان زود سقوط کند، اما این چنین نشد وعمرحکومت نجیب به درازا کشید، به نظر شما چراچنین شد؟

طبعاً عوامل مختلفی وجود داشت، یکی از عوامل این بود که وقتی کم کم مجاهدین به سوی پیروزی نزدیک می شدند، اختلافات پیدا شد خودخواهی برخی ها سبب شد تا عمر حکومت نجیب به درازا بکشد .

برخی دست به اختلاف زدند و آنها افغانستان را مال خود میدانستند وسعی می کردند که پیروزی به دست آن ها رقم زده شود.

چیزی دیگری که مهم است، مداخلات و توطیه های قدرت های بیرونی بود، این قدرت ها همزمان با موفقیت های چشم گیرمجاهدین، دست به کار شدند و تلاش کردند مجاهدین به قدرت نرسند، این حقیقت در رسانه های بین المللی انعکاس می یافت ودرعمل مردم آن را می دیدند.

دردداخل کشورهم با خروج اتحاد شوروی انگیزه های مقاومت کم ترمی شد. برخی ها فکرمی کردندکه باخروج روس ها رسالت شان به پایان رسیده است.

ازسوی دیگر حکومت نجیب کمک هنگفت تسلیحاتی، مالی و تخنیکی ازسوی اتحاد شوروی بدست می آورد.

همزمان باخروج روس ها ازکشور، حمایت های بین المللی برای جهاد افغانستان کاهش شدیدیافت.

این عوامل دست به دست هم داد و باعث ادامه حاکمیت رژیم شد.

خیلی ها به این باوراند که فروپاشی نظام سوسیالیستی شوروی که نیمی ازدنیا را تحت سیطره خود داشت، جهاد افغاسنتان بود شما با این نظر موافق هستید؟

برخی ها به این باورهستند که نظام اتحادشوروی با فرسوده گی روبرو بود، اما من فکر میکنم که باوصف آن که نظام شوروی سابق مشکلات زیادی درداخل داشت، مگر علت اصلی سقوط آن، جهاد مردم افغانستان بود. اگرروس ها می توانستندکه مقاومت مردم افغانستان را سرکوب کنند ودرکشورما پای خود را مستحکم نمایند. تصورنمی کنم که فرسودگی های داخلی باعث متلاشی شدن آنها می گردید.اساسا وقتی روس ها برکشور حمله کردند. مقاومت شدیدی در برابر آنها صورت گرفت،شکست های بزرگ مالی ونظامی دیدند، ناتوانی های مالی واقتصادی ونظامی این غول بزرگ وشکست ناپذیر"از پای درآورد.

ازسوی دیگرکشورهای هم پیمان اتحادشوروی که روس ها را شکست ناپذیرمی دانستند، وقتی دیدندکه روس ها دربرابریک ملت پابرهنه زمین گیرشده اند، باورآنها تغییرخورد و ترس و هراسی که داشتند ازبین رفت وبالاخره نظام متلاشی شد که عامل عمده واساسی آن جنگ درافغانستان بود.

جناب استاد ، شما به عنوان رهبرقدرتمندی که درجنگ برضد روس هاسهیم بودید درآستانه پیروزی مجاهدین سفری به مسکوداشتید اهداف عمده دراین سفرچه بود؟

این سفردرپاسخ به دعوت رسمی اتحاد شوروی صورت گرفت، آنها به این نتیجه رسیده بودندکه رژیم هوادار آنها در افغانستان در آستانه سقوط قرار گرفته ودیگرجای پای درافغانستان ندارند، آنها می دانستند که مجاهدین طرف اصلی قضیه هستند و باید باآنها وارد گفتگوشوند. البته برخی ازدوستان ما با این سفر مخالف بودند و براساس احساسات و شعار برخوردمی کردند، اما من تصمیم گرفتم که باید باروس ها گفتگو کنیم، و پیام خودرا به روس ها وجهان برسانیم و به آنها بگوییم که نماینده اصلی افغانستان مجاهدین می باشندو حکومت طرفدار شوروی نماینده افغانستان نیست. این سفر درواقع آغازواعلان پیروزی بود برای ما. این سفربرای ما دست آوردهای خوبی داشت. با قامت های افراشته ما به سرزمینی قدم می نهادیم که حکومت سرکوب گران جهان را به وحشت انداخته بود وهیچگاه تصورنمی کردکه روزی مجبور می شود با ما به عنوان یک طرف روی میز بنشیند، ما در مذاکرات، اشتباهات روس ها در تجاوز به افغانستان را به انها گفتم و تصریح کردیم که باید واقعیت هارابپذیرید وبه خواست ملت ما تسلیم شوید، خانواده های که وابستگان خویش در افغانستان را از دست داده بودند، و یا دستگیر شده بودند نزد ما میآمدند واز ما کمک می خواستند.

این صحنه ها برای ما بسیارجالب بود، ما می دیدیم که این کشوربزرگ چگونه توسط ملت پابرهنه ما زمین گیرشده و مجبور گردیده از دشمنانش استقبال کند.

دست آوردمجاهدین وپیامد جهاد برای مردم افغانستان چه بود؟

عمده ترین دست آورد ما آزادی و بیرون راندن ارتش سرخ بود، قدرتی که تصورشکست در فکرش جای نداشت وافغانستان را جزء اقمارخود میدانست،اما متاسفانه بعد ازپیروزی درانرتوطیه های کلان بین المللی و منطقه، مجاهدین نتوانستند حکومت نیرومند بسازند.

پس از تاسیس حکومت مجاهدین اجازه ندادندکه این حکومت نوپا را خودرا به اساس آنچه که متدفع می بودند کنند. جنگها را دامن زدند. [illegible] [illegible] شد و مردم متضرر گردیدند ودرنهایت مجاهدین را بدنام ساختند. البته نمی گویم که مجاهدین اشتباهات نداشتند، اما عامل اصلی عدم موفقیت مجاهدین، توطیه های بزرگ خارجی بود، قدرت های بین المللی می خواستند منطقه درگیرجنگ وتنش باشد تا به امیال خودبرسند.

جناب استاد! شما به عنوان یک فرد مسلمان اگرتعریفی از۲۶ دلوداشته باشید این تعریف چه خواهد بود؟

۲۶دلوپیروزی حق برباطل، پیروزی یک ملت مظلوم دربرابریک قدرت مستکبر، پیروزی نیروهای متعهد وباایمان دربرابرنیروی قدرتمندی که به خدا ایمان نداشت.

با گذشت تقریباً دودهه از۲۶ دلو، شما چه پیامی برای نسل جوان افغانستان دارید؟

۲۶دلویک روزعمدهٔ تاریخی در افغانستان است،باید این روز درضمیرفرد فرد مردم افغانستان به خصوص نسل جوان ما زنده بماند واین پیروزی بزرگ که نصیب ملت افغانستان شده است، نباید فراموش گردد این روزحماسه تاریخ افغانستان است.

این قربانی های مجاهدین نباید ضایع شود، حوادثی که بعدا پیش آمد، یقیناً طبق خواست مردم افغانستان نبوده وسبب شده که یک سلسله نابسامانی ها ومشکلات دیگری به میان بیاید، پیام من این است ازاین به بعد باید برای ایجاد یک زمینه جدید برای حیثیت ملی مان کارکنیم و باحفظ ارزش ها، بسوی وحدت ملی گام برداریم.



نه سال، یک ماه و هجده روز

پس از تجاوز

داکتر حمید حامی

۱۵ دلو امسال خبر جالبی در سایت انترنتی farsi.ru نشر شد. باریس گروموف آخرین افسر اتحاد شوروی سابق که افغانستان را ترک گفت و اکنون به حیث شاروال نواحی مسکو ایفای وظیفه می کند، اعلام کرد که به زودی کمک های انسانی را توسط هواپیما به ولایت پکتیا و ولایت پنجشیر خواهد فرستاد. این کمکها از ۱۲ تا ۱۴ فبروری ۲۰۰۹ برابر با بیستمین سالگرد خروج ارتش سرخ از افغانستان، به کابل مواصلت خواهد کرد. گروموف با آن که یکبار دیگر تجاوز به افغانستان را یگانه و اساسی ترین اشتباه رهبران اتحاد شوروی سابق دانست، گفت که مقابلهٔ نظامی در افغانستان نتیجه یی نخواهد داد.

این خبر از دیدی دیگر نیز جالب است. روسها پیش از آن که معاهدهٔ ژنیو را در سال ۱۳۶۶ امضا کنند، منطقهٔ ژوره در جنوب افغانستان را مورد حملات شدید قرار دادند؛ یکسال پسانتر آن گاه که روسها در دلو ۱۳۶۷ یعنی نه سال و یک ماه و هجده روز پس از تجاوز، افغانستان را ترک می گفتند، عملیات توفان دریایی را در مناطق اطراف شاهراه سالنگ به اجرا گذاشتند. صدها مورد بمباردمان با جت و هزاران مورد انداخت توپچی، انجام یافت. در آن هنگام تورنجنرال باریس گروموف، فرماندهی سپاه چهلم را عهده دار بود. او آخرین نظامی ارتش سرخ بود که پل دوستی بر فراز دریای آمو را عبور کرد و نگاهی هم به عقبش نینداخت: و حالا او شاروال نواحی مسکو است و به هر دو منطقه در افغانستان، کمکهای بشردوستانه می فرستد.

به هر حال، در هنگام خروج روسها، ارتش حکومت افغانستان متشکل بود از چهار قول اردو، هفده فرقه، نه غند مستقل کماندو، توپچی و گارد، ۶۲۰ تانک ثقیل، ۶۰۰ تانک سبک، ۲۵۰ ماشین محاربوی، ۸۵۰ نفربر زرهی، ۱۰۰۰قبضه توپ، ۱۰۰۰قبضه هاوان، ۲ دستگاه پرتاب اسکاد، ۱۰۷ فروند جت، ۱۰۲ بال چرخبال، ۷۶ بال انتونوف نوع ان ۲۴، ان ۳۲ و ان ۱۲ و چهار غند دافع هوا و رادار و به گفتهٔ داکتر نجیب رئیس جمهور وقت با بیش از یک میلیون سرباز، افسر، جنرال و اعضای حزب که امروز به ندرت می توان اثری از آن یافت.

خروج روسها از افغانستان، اگر از سویی برای مردم افغانستان و مجاهدین یک دستاورد تاریخی خوانده می شود، از سویی دیگر، نشان داد که پیروزی نظامی بدون تدبیر سیاسی نمی تواند پیامد های متوقع را به بار آورد.

اگر در درازنای ۱۴ سال جهاد و مبارزه، مجاهدین دو بار بدون آماده گی به مرحله و آزمونی جدید وارد شده باشند، یکی آن عبور از مرحلهٔ دفاع به تعرض یا عبور از جنگهای چریکی به جنگهای منظم پس از خروج روسها بوده و دومی، حکومتداری در کابل در ثور ۱۳۷۱.

با وجود تشکیل شورای فرماندهان در شاه سلیم (۱۳۶۸)، تشکیل حکومت موقت در راولپندی، موافقت رهبران در پشاور برای تشکیل دولت اسلامی در ۱۳۷۱، هیچگاهی هماهنگی و انسجام لازم بین مجاهدین به وجود نیامد و همان شد که پس از پیروزی آنان، طرح واحدی برای حکومتداری تطبیق شده نتوانست و درست همان گونه که ناهماهنگی دوران جنگهای دفاعی به دوران جنگهای تعرضی سرایت کرد، عین ناهماهنگی ها را حکومت مجاهدین در ۱۳۷۱ به میراث گرفت که پیامد آن، مساعد بودن زمینه برای مداخلهٔ همسایه ها و سقوط دولت مجاهدین به دست طالبان در میزان ۱۳۷۵ بود.

تلفات ناشی از جنگ:

مسعود شهید پس از پیروزی مجاهدین در صحبتی گفت که ۵میلیون مهاجر از یک کشور ۲۰میلیونی بیانگر این امر است که از هر چهار نفر، یکنفر مهاجر شده است. دو میلیون معلول و زخمی، نشان می دهد که از هر ده نفر، یکنفر به چنین سرنوشتی گرفتار شده و هم چنان یک میلیون شهید، نشان می دهد که از هر بیست نفر، یکنفر به شهادت رسیده است. او در همان هنگام پرسید که آیا هیچ کشوری دیگر به این پیمانه از جنگ، صدمه دیده است؟

در نتیجهٔ تجاوز ارتش سرخ به افغانستان، حد اقل بین ۱۳ تا ۱۵هزار سرباز آن ارتش کشته شده است. تعداد مجروحین بین ۳۵ تا ۳۷هزار خوانده شده و گفته می شود که بیشتر از ۳۰۰سرباز مفقود گردیده اند.

تعداد عساکر و افسران مقتول رژیم افغانستان بین ۲۴ تا ۳۴هزار تخمین شده و گفته می شود که بین ۵۲ تا ۶۰هزار دیگر هم زخم برداشتند.

تلفات نیرو های مجاهدین در افغانستان با آن که به علت حملات چریکی شان به مراتب کمتر از تعداد تلفات عساکر رژیم خوانده می شود، اما تلفات ملکی بین یک تا یک و نیم میلیون نفر خوانده شده است.

مسعود شهید پس از پیروزی مجاهدین در صحبتی گفت که ۵میلیون مهاجر از یک کشور ۲۰میلیونی بیانگر این امر است که از هر چهار نفر، یکنفر مهاجر شده است. دو میلیون معلول و زخمی، نشان می دهد که از هر ده نفر، یکنفر به چنین سرنوشتی گرفتار شده و هم چنان یک میلیون شهید، نشان می دهد که از هر بیست نفر، یکنفر به شهادت رسیده است. او در همان هنگام پرسید که آیا هیچ کشوری دیگر به این پیمانه از جنگ، صدمه دیده است؟

در کنار تلفات انسانی که می تواند اثرات ناگوار آن در جامعه آن تا سالها باقی مانده و بر روحیهٔ جامعه، اثرگذار باشد، سالهای جنگ سبب گردید تا تعداد چشمگیری مردم که گاه به اساس ارقام ارائه شده توسط منابعی در سازمان ملل به ۹۰درصد رسیده، به امراض و مشکلات مختلف روانی گرفتار شوند؛ البته این برداشت ناشی از آن است که در جهان پیشرفته این باور قویاً وجود دارد که در عقب هر مشکل روانی، نقش تشدد و یا خشونتی را که فرد یا جامعه با آن مواجه شده می توان دریافت.

عمده ترین وسایط و وسایل جنگی تخریب شده، بین ۷۰۰ تا ۷۵۰ بال جت و چرخبال، ۵۰۰ تا ۶۰۰ عراده تانک، ۵۰۰ تا ۷۰۰ نفربر زرهی، ۸۰۰ تا ۹۰۰ ضرب توپ های مختلف و ۵ تا ۶هزار عراده لاری گزارش شده است.

پیامد های ناگوار اجتماعی و سیاسی:

تجاوز ارتش سرخ به افغانستان، اگر از سویی سبب گردید تا زیربنای اقتصادی کشور تخریب گردیده و کشور از مسیر ترقی و تمدن که تازه به آن پا گذاشته بود، سالها عقب بماند؛ از جانبی هم تأثیراتی بر بافت اجتماعی، فرهنگ و حتا شیوهٔ دفترداری و ارتباطات در افغانستان وارد کرد. نسلی که طی آن سالیان قد می کشید، حد اقل در چهار منطقه و با چهار روحیهٔ متفاوت تربیت شد: در داخل افغانستان در محلات تحت کنترول رژیم؛ در داخل افغانستان در مناطق تحت کنترول مجاهدین؛ در کشور های همسایهٔ ایران و پاکستان؛ و در غرب. در کنار این روحیه های متفاوت، تعداد چشمگیری دیگر، زمانی در خط های مقابل همدیگر در صف نبرد ایستاده بودند.

عصر حکومتداری مجاهدین و بیشتر از آن دوران پس از تأسیس ادارهٔ موقت که بازگشت کتله ای افغانها را در پی داشت، سبب گردید تا گذار به مرحلهٔ جدید حد اقل با چهار روحیهٔ متفاوت، آغاز بیابد. آمیزش این روحیه ها با همدیگر و دریافت نقاط مشترک، نیازمند گذشت زمان است و این که امروز در مواردی گروهی، قضایا را از یک نهایت و گروهی از نهایت دیگر، می بینند، دلیلش اینست که ما آرام آرام به سوی یافتن نقاط خاکستری رنگ – نه سیاه و نه سپید- یا همان نقاط مشترک در حرکت هستیم. شاید ولسی جرگهٔ افغانستان بتواند نمونهٔ بسیار خوبی از این آمیزش و حتا میزان حرکت بطی به سوی یافتن آن نقاط مشترک را ارائه بدهد.

افغانستان از ۱۳۵۷ تا تأسیس ادارهٔ مؤقت، حد اقل ۸ مرتبه تغییر در رژیم حاکم را شاهد بوده است. طی این سالیان چهار نوع نظام کاملاً متفاوت، حاکمیت بر بدنه و ساختار اداری کشور را به دست گرفته است: کمونیستی، مجاهدین، طالبان و گذار به دموکراسی. البته این تغییرات، جدا از نو شدن کابینه است که به بیش از ۱۳ مورد میرسد.

هر کدام از این نظام ها با تشکیلات، قوانین و مقررات و اصول جداگانهٔ خود به حکومتداری پرداخته اند و این همه تغییر و تفاوت، خواهی نخواهی شیرازهٔ نظام اداری و دفترداری در کشور را دچار تحول ساخته و ثبات آن را به چالش می کشد. آن گونه که مشاهده می شود، اثرات ناگوار آن شیرازه شکنی ها تا امروز هم باقی مانده است.

اگر در زمان رژیم جمهوری سردار محمد داوود معیار رسیدن به درجات بلند در حکومت، درجهٔ وفاداری به نظام، سرشناسی و گاه هم استعداد و درایت و تخصص بود؛ در دوره های مختلف حاکمیت حزب دموکراتیک خلق، این اعضای حزب بودند که مقام های بلند حکومتی را تصاحب کرده و مسیر وارد شدن به دستگاه حکومت را کاملاً دگرگون ساختند.

در عصر حکومتداری مجاهدین روشی همگون اتخاذ شد. با این تفاوت که این مرتبه، سهم در جهاد به معنای توانایی و کارآیی در اداره، گرفته شد. به عبارهٔ دیگر می توان آن را برتر شمردن تعهد نسبت به تخصص دانست؛ اما بادرنظرداشت شرایط آن دوره می توان گفت که راهی دیگر وجود هم نداشت. تکنوکرات هایی که امروز به افغانستان برگشته اند، حاضر نبودند تا در آن دوره -بنابر عدم تأمین امنیت و بی علاقه گی غرب- به کشور برگشته و در نظام سهم بگیرند. تعدادی هم در داخل کشور به عنوان بقایای رژیم کمونیستی، قابل تحمل نبودند و یا هم حضور شان در حکومت می توانست با فتوای راکتباران کابل، غلط گرفته شود.

عصر طالبان، پیام آور یک دگرگونی کامل بود. دیگر این تنها طالبان بودند که بر دوشک های داخل دفاتر دولتی نشسته و حکومتداری می کردند. آنان گاهی هم مستقیماً از دفتر ملکی خود راهی جبهه شده و فرماندهی می کردند. دیگر سیستمی که از مجاهدین هم باقی مانده بود از هم پاشید و در آن طرف خط با آن که کوشش هایی صورت گرفت تا نظام حکومت از نو بنیان گزاری شود، اما ناگواری شرایط جنگی مجالی برای تصور آن هم نمی گذاشت.

... و در فرجام:

حالا هفت سال پس از سقوط طالبان و ۲۰ سال پس از خروج روسها، افغانستان تازه در مسیری که ممکنست زمانی به حل مشکلات ناشی از جنگ و تجاوز روسها بینجامد، گام گذاشته است.

تقابل سیاسی کم کم جای تقابل نظامی برای رسیدن به قدرت را اشغال می کند. با وجود تمام ملاحظاتی که وجود دارد، اصلاحات اداری و ساختاری در حکومت، منحیث یک تجربهٔ کاملاً جدید آغاز یافته و ممکنست بتواند معیار های مشخصی را برای جذب شدن در دستگاه حکومت، وضع و تطبیق کند. مسیر داخل شدن به کابینه و رسیدن به برخی از پست های کلیدی از میان نماینده گان مردم می گذرد و اردو و پولیس ملی با وجود ناکافی بودن تعداد، از مرحلهٔ آموزش، وارد مرحلهٔ عمل شده است.

بازسازی با آن که در مقایسه با عمق بحران، اثرات بسیار محسوس ندارد، اما از نقش آن حتا در تأمین امنیت هم انکار نمی شود.

... اما در این میان، هنوز فرهنگ جنگ باقیست؛ هنوز خشونت زمینه هایی برای بروز دارد؛ هنوز نسلی که از کسب تعلیم و دانش دور مانده، رنج می برد؛ هنوز کشت و قاچاق مواد مخدر یک مشکل بزرگ و حل ناشده است؛ هنوز تعدادی وجود دارند که جنگ را حرفه یی برای امرار معیشت می دانند؛ و با این همه، افغانستان فقط انتظار ارسال دو طیارهٔ حامل کمک های بشری را از کشوری که میراثدار اتحاد شوروی سابق است، ندارد. آنان باید به پیمانهٔ نقش شان در جنگ، در زدودن آثار و پیامد های آن نیز سهم بگیرند.

غزه و پیروزی افراط گرایان در انتخابات اسرائیل

سیدعنایت الله شاداب استاد دانشگاه کابل



داستان مقاومت پیروزمند غزه در برابر پنجمین قدرت نظامی جهان و اولین قدرت نظامی منطقه خاورمیانه، قدرت های مقتدر به تعادل قوا در رویارویی های نظامی را به چالش گرفت و توده های بیدار ضمیر منطقه و جهان اسلام و جهان آزاد را در زیر سقف شعار آزادیخواهی و مقاومت در برابر زورگویی های اسرائیل قرار داده و چهره واقعی قدرت های منادی دموکراسی و حقوق بشر این گرگ های شبان شعار را، دربرابر جهانیان برهنه وعریان به نمایش گذاشت این که چه چیزی انگیزه های این مقاومت جانبازانه فلسطینیان وپیشمرگان غزه را تشکیل می دهد، باید پاسخ این پرسش را افزون بر آموزه های اسلامی و مقاومت های تاریخی این منطقه، همان شعارقدرت آفرین مرحوم عرفات را که "قدس پایتخت فلسطین است چه بخواهند وچه نخواهند" است بدست آورد.

آری! رسوخ همین باورهای در اذهان فلسطینیان شعار مطرح شده توسط دولت های متمایل به نوازش قدرت های غربی را که(خون فلسطینی ها آن قدر ها ارزان نیست که با آن بازی شود) در برابر شعار(نثار در برابر دفاع از عزت و کرامت) کمرنگ ساخت.

اما پیروزی حزب کدیما در انتخابات اخیر اسرائیل به رهبری خانم بیسی لیفْنی که با شعار ریشه کنی و نابودی مقاومت، داخل کارزار انتخاباتی گردیده بود همهٔ آن رویا های برقراری صلح از طریق گفتگو با اسرائیل اشغانگر را نقش بر آب کرده و آن همه تلاش ها صلح خواهانه در شرم الشیخ، ریاض و کویت را چون کوبیدن آب در هاون به نمایش گذاشت.

امروز همه حیرت زده نگران آنند که در برابر اجماع اسرائیلی ها بر نا بودی مقاومت غزه و فلسطین چه موضعی اتخاذ کنند؟!

ملاک موضعگیری دولت های عربی در برابر قضیه فلسطین و مقاومت غزه را تنها و تنها حفظ قدرت و مقام این دولت تشکیل داده و همین امر باعث شده است که آن ها در همه تصامیم خویش ناظر پشتیبانی اربابان و حامیان تاج و تخت خویش باشند که بر ایشان چه هدایت می دهند.

قرار گرفتن ترکیه سکولار که حکومت های قبل آن از وحدت استراتژیکی با اسرائیل حرف می زدند، در پهلوی مقاومت غزه و موضعگیری دلیرانه حکومت کمونیستی ونیزویلا در برابر حکومت اسرائیل با اخراج سفیر آن و دفاع مقاومت گران اسلامگرای حماس نشانگرافق های نوی در عرصه سیاست جهانی است

اصل مسلم در جامعه شناسی سیاسی در زمینه تداوم قدرت برخوردار از تایید مردم، همان درک واقعیت های موجود و اتخاد تصامیم در روشنایی آن هاست.

در کازار سیاسی ونظامی جهان معاصر در همین جهان تک قطبی، هنوزهم قدرت های به اصطلاح سرنوشت ساز، کشورهای ناتوان جز تبارز ارعاب و تهدید، ازطریق گردهم آیی ها، در چوکات ملل متحد و سایر نهادهای بین المللی و هسته گذاری و تمویل برخی گروه ها تروریستی و اخلال گر در کشورهای مخالف سیاست ومنافع ملی شان،- بنا بر ملحوظاتی که دارند- به کار دیگری دست نیازیده اند.

رعب و خوف حاکم درجهان امروز که خود زاده زورگویی های قدرت های بزرگ می باشد، شبیه همان رعب و خوف حاکم در دوران استعمار انگلیس است که سیدجمال الدین آن را به مسجد مهمان کش تشبیه کرده بود. دولت های عربی

در وضع کنونی حاکم در جهان به ویژه در کشورها غربی که نیازمند سرمایه های این دولت ها می باشد، تنها نیازبه یک جرئت دارند، جرئتی که از یک طرف آن را از وابستگی نجات داده و از جانب دیگر پشتیبانی ملت های خود را کسب می کنند.

عملیات وحشیانه اسرائیل در غزه و تصامیم اتخاذ شده در کنفرانس امنیتی مونخ در آلمان که تنها وتنها بر محور امنیت اسرائیل و جلوگیری قاچاق سلاح – نه تراژیدی اطفال و زنان غزه- می چرخید و مواضع پرخاشگرانه اسرائیل و پیروزی حزب کادیما در انتخابات اخیر همه به کشورهای عربی این پیام را می رساند که همه در دفاع از مقاومت غزه در راستای تحقق آرمان فلسطین، در یک صف متحد قرارگرفته و عزت تاریخی خویش را کمایی نمایند و تماشاگر آن باشند که چگونه نیروها هوایی و زمینی اسرائیل لانه و کاشانه مقاومتگران غزه را درهم می کوبند و پیکرهای پاک اطفال معصوم فلسطین را در جاده ها و ویرانه ها تیت و پاشان می کند.

تحولات ملموسی که در سیاست های جهان رونما گردیده و زورگوی های امریکا را به چالش گرفته اند، اعلان تغییر موضع از طریق اوباما در برابر جهان اسلام و قرار گرفتن اوبامـا در رأس سیاست امریکا بحیث یک چهره سیاه پوست که چند دهه قبل ورود سیاهان و سگ ها را در هوتل های امریکا ممنوع اعلان می کردند، همه بیانگرآن است که ، سیاست همان آش وهمان کاسه در سطح جهانی در حال زوال و فنا بوده و ظهور قدرت های جدید در سطح ملت ها و جهان به نمایش در آمده است.

قرار گرفتن ترکیه سکولار که حکومت های قبل آن از وحدت استراتژیکی با اسرائیل حرف می زدند، در پهلوی مقاومت غزه و موضعگیری دلیرانه حکومت کمونیستی ونیزویلا در برابر حکومت اسرائیل با اخراج سفیر آن و دفاع مقاومت گران اسلامگرای حماس نشانگرافق های نوی در عرصه سیاست جهانی است.

بدون شک عدم درک این تغیرات در سیاست های جهانی، گویای این حقیقت است که هر که در برابر این موج قرار می گیرد سرنوشت آن ها، نابودی خواهد بود و بس.

قرائت وضع کنونی حاکم در جهان عرب و ظهور خیزش های جدید در شرق میانه و در جهان اسلامی و در نهایت بیانگر ظهور رهبری ها از طراز که نه غلام قدرتی اند و نه در فکر غلامی دیگران.

۲۷قربانی در حمله بر شهر کابل ...

به روز چهارشنبه ۲۳ دلو در جریان یک عملیات پیچیده تروریستی ۲۷ تن کشته و بیش از سی نفر مجروح گردیدند.

تروریستان که گفته می شود شمارشان به هشت تن می رسید، حوالی ساعت ۱۰ صبح ساختمان وزارت عدلیه در مرکز شهر کابل وساختمان ریاست محابس واقع درشمال شهر را مورد حمله قرار دادند. پنج تن از مهاجمان با کشتن یکی از افراد امنیتی وزارت عدلیه وارد ساختمان گردیدند، یکی از تروریستان در داخل ساختمان کشته شد و چهارتن دیگر در طبقه دوم و زیر زمینی ساختمان موضع گرفتند و با گلوله باری بر روی ماموران و مراجعین وزارت، شماری را به قتل رساندند.

مامورین ریاست امنیت ملی، پلیس، و اردوی ملی که جهت سرکوب این حمله اعزام شده بودند پس از ۳ ساعت درگیری موفق شدند مهاجمان را به قتل برسانند.

همزمان با این حمله ریاست محابس در شمال نیز مورد حمله دو تروریست قرارگرفت، یکی از آن ها در دروازه ورودی ریاست انتحار نمود و فرد دیگر وارد ساختمان شد و با منفجرکردن خویش توانست ۶ پلیس را به قتل برساند و ۲۹ تن را زخمی نماید.

همچنان یکی از تروریستان که گفته می شد قصد ورود به وزارت معارف را داشته است، در چهار راهی ملک اضغر مورد هدف یک سربازامنیت ملی قرار گرفت به قتل رسید.

طبق اظهارات مسؤولان و منابع وزارت صحت عامه، در این رشته عملیات ۲۷ تن کشته و ۳۵ تن زخمی شده اند. همچنان تمام مهاجمان به قتل رسیدند.

به دنبال این حمله امرالله صالح رئیس امنیت ملی گفته است، آن ریاست حدود ۲۰ تن را به ظن دست داشتن در این حمله مورد پیگرد قرار داده است.

به دنبال این حادثه تروریستی، سخنگوی طالبان با تماس با رسانه های داخلی، وخارجی، مسؤولیت حمله را به عهده گرفته ادعا کرد که آن حمله در مقابله با بد رفتاری دولت با زندانیان این گروه انجام یافته است.

در گذشته گمان می شد مخالفان مسلح دولت نیروهای خارجی و یا نظامیان داخلی را مورد هدف قرار می دهند، اما عملیات ۲۳ دلو نشان داد که طالبان تفاوتی میان نظامیان و غیر نظامیان نمی گذارند، بلکه آن ها غیرنظامیان و حتی زنان وکودکان را نیز مورد هدف قرار می دهند.

عملیات تروریستی اخیر کابل تشابهات زیادی با عملیات مومبای هند داشت که در آن حدود ۱۸۰ تن به قتل رسیدند. هدف قرار دادن چند ساختمان دولتی و اشغال آن، آمادگی تسلحیاتی و رزمی، استفاده از یونیفورم رسمی و یا لباس غربی و به کارگیری از موبایل و وسایل مخابراتی از تشابهات این دو حمله می باشد. از دید صاحب نظران این تشابهات نشان می دهد که در برنامه ریزی و سازماندهی حمله تروریستی کابل از تجربهٔ حمله بر مومبای هند استفاده شده است.

اجرای حملهٔ موفقانهٔ اخیر در کابل یک بار دیگر ضعف ارگان های امنیتی دولت را در تأمین امنیت و جلوگیری از حملات تروریستی آشکار می سازد.

حامدکرزی این حملات را تقبیح نموده است. در خارج نیز این حملات تروریستی با محکومیت وسیع روبرو شده است. یکی از سخنگویان دولت امریکا گفته است، عملیات تروریستی اخیر کابل تصمیم آن کشور را برای تغییر استراتیژی و مقابله با تروریزم نیرومند تر می سازد.

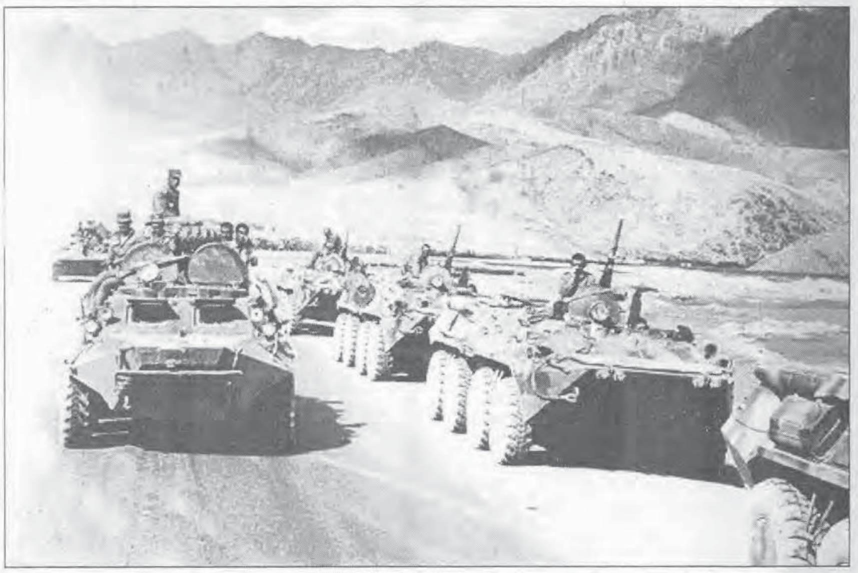
مردم افغانستان ناامیدتر از گذشته ...

بر اساس نظر سنجی مذکور میزان نارضایتی مردم از امریکا بیشتر شده تنها ۴۷ درصد مردم با آن کشور نظر مساعد داشتند، نارضایتی از انگلیس بیشتر از این بوده ۶۲درصد نظر نامساعد داشتند.

میزان بالای نارضایتی ازگروه طالبان که دراین گزارش نشان داده شده ثابت می سازدکه وضعیت نامساعد امنیتی و افزایش خشونت و جنگ، ناشی از توانمندی مخالفان مسلح نبوده بلکه ناشی از ضعف ارگان های دولتی و نیروهای خارجی می باشد.

شورشی که تنها از ۵ درصد حمایت مردم برخوردار است، نمی تواند در برابر دولتی که از اعتماد و محبوبیت درمیان مردم بهره مند باشد مقاومت کند.

ادامهٔ ناامنی و شورش توسط یک گروه فوق العاده فاقد محبوبیت و حمایت مردم، می رساندکه میزان حمایت از دولت و کارآیی آن بسیار پایین و غیرکافی است.



د سلواغې شپږ ویشتمه د سور ښکېلاک د ماتې، او د نورو لپاره عبرت ورځ

شفیق

د سلواغې د شپږویشتمې کتاب چې د افغان ولس د پیژندګلوۍ مظهر دی باید هر هغه څوک یې وګوري چې د افغانانو سره یې ارتباط دی او ورسره غواړي چې تعامل وکړي، دا ځکه چې تاریخ د عبرت په نیت لوستل کېږي، هغه قوم کله هم د پوهې لیار نده نیولې چې له تاریخ څخه عبرت نه اخلي، هوښیاران هغه دي چې د ځان عزت د نورو په عزت کې وګوري او چاته په کم نظر ونه ګوري

د تن څخه شل کلونه د مخه د سلواغې شپږویشتمه د افغان ولس په تاریخ کې هغه له ویاړونو ډکه ورځ ده چې دغه میړني ولس ته. ورڅخه لس کلونه د مخه د غوبې د اومې نیټې د کودتاچیانو پرخلاف د سرتاسري بغاوت او تاریخي مقاومت. او هم د هغوی د بادارانو "شوروي اتحاد" لخوا د مرغومې په شپږمه د یرغل د منطقي انجام په توګه د افغان ولس په برخه شوې

قطبي دوستانو؛ د خلق د دموکراتیک ګوند له وحشته ډک رژیم د خپل ولس د مقاومت څخه خلاصون او د هغوی د مرستې په نوم. او ورسره ګرمو اوبو ته د رسیدلو په منظور د مرغومې په شپږمه شپه یو لک او دیرش زره پوځونه چې په روسي ټانکونو او شوبلو سواره وو او د پاسه یې ګن شمېر هیلوکپترونو بدرګه کوله. افغانستان ته داخل کړل: هغوی دا نه پتیله چې د قطبي امپراطورۍ دغه تاراک به په افغانستان کې تر دې ډېره پټې شي. بلکې انګیرلې

یې وه چې د خپل لاسپوڅي رژیم مخالفین به په څو ورځو کې ختم کړي او دغه راغلي کاروان به ډیر ژر د کراچۍ د سمندرګي ګرمو اوبوته ورسیږي. خو افغان میړني ولس د خپل تاریخي شهامت او بې ساري مقاومت په برکت چې د افغانانو د ایماني غیرت په اوبو

خړوبه شوی وو. یو داسې سپیڅلی او تاریخي جهاد پیل کړ چې د نړۍ د مسلمانانو پاملرنه یې ځان ته راواړوله او په بین المللي سطح ورڅخه ملاتړ پیل شو. هغه مهال چې د قطبي ښکېلاک د زور د اوبو کونسو تصور نشو کولی او د امریکې د هغه وخت ولسمشر "جیمي کارټر" په شمول د افغانستان د ګاونډیانو (ایران او پاکستان) هم سپیني تبنتیدلې وې خو د اسلامي امت هر اړخیزو مرستو او د افغان ولس ایماني غیرت وو چې نړۍ یې خپله ترشا ودروله او د شاوخوا لسو کلونو میړني مقاومت او تاریخي جهاد په برکت یې د قطبي ښکېلاک زور

اوبه کړ او د روسانو ړنګوني شوروي اتحاد) یرغلګر پوځونه یې له خپلې خاورې څخه وویستل او وریسې یې د هغوی په تنګه او ملاتړ راغلی کمونستي رژیم هم راوپرځاوه او هغه کمونیزم یې د تاریخ قصه وګرځوله چې د اویا کلونو د امپراطورۍ په موده کې

یې په بشریت د مظالمو او د هغوی د شکنجه کولو تاریخ پرېښی وو او هم یې د منځنۍ آسیا د اتلسو په شمېر هېوادونه په خپله ګېډه د ننه کړي وو. مګر د افغانستان د خپلواکۍ سره سم دغه هېوادونه یې هم له ګېډې راووت او لکه د زنګ وهلي زنځیر د کړیو په څېر یو د بلې پسې ورڅخه جلاشوي. د دې رالس سوه او شپیتم کال د سلواغې په شپږویشتمه چې کله روسي پوځونه د افغانستان له پولې څخه پورې وتلو نو دغه پوځیانو په ځانونو کې دا جرأت نه لیده چې خپلې شا د افغانستان خاورې ته راوګوري) او هر یوې د خان سره غه یدونه یووړل چې بیا

وروسته روسي جنرالانو په خپلو کتابونو کې انځور کړل. هغوی هر یو په خپل وار سره د خپلو چارواکو احمقانه پالیسۍ وغندلې او د بریژنیف عجولانه اقدام یې هغه تاریخي سهوه وګڼله چې بیا چرننکو، ګورباچوف او یلتسن یې تدارک نشو کولای. روسانو د خپلې ماتې پړه په افغاني کمونستانو او کمونستانو په روسانو اچول پیل کړل چې نن دغه حقیقتونه د تاریخ په پاڼو کې ثبت دي: د تاریخ دغه پاڼې چې کمونیزم ته یې د یوې قصې په توګه په خپله غېږ کې ځای ورکړی، که د پخواني شوروي اتحاد او د هغوی د پیرانو (مارکس، لینن او ستالین) تېروتنې په ګوته کوي او د روسانو لپاره او هم د افغاني کمونستانو لپاره د عبرت درس دی. هغه چې د خپل هېواد او ولس د دیني او ملي ارزښتونو او اسلامي شعیرو پرخلاف یې د قدم اوچتولو خپل منطقي انجام ولیده. نو دغه پاڼې او د سلواغې په شپږویشتمه نیټه راټوله شوې دوسیه د هغه د نورو لپاره هم درس دی چې د خپل ولس پرخلاف او د خپلې خاورې د

ملي ګټو او ارزښتونو پرخلاف د پردیو د باطلو ایډیالوژیو پیروي کوي او هغه کړنې تکراروي چې د قطبي دوستانو لاسپوڅو او مزدورانو زموږ په خاوره کې وکړې او دغه هېواد یې د خپلو هوس پرستیو او حماقتونو لامله له داسې یو اوږد ناورین سره مخ کړ چې دا دی دري لسیزې یې پوره شوې خو لاتراوسه دغه زخم نه جوړیږي او افغانان یې په فزیکي، مادي او معنوي توګه د تباهۍ سره مخ کول چې لامله یې لاتراوسه زموږ د هېواد څخه د ناکراریو او جګړو تغر ندی ټول شوی.

همدارنګه د سلواغې شپږویشتمه د هغو خلکو لپاره هم په خپله غېږکې د عبرت پیغامونه لري

چې د قطبي ښکېلاک پېښې کوي او میړني افغان ولس ورته کمزوري ښکاري او یا یې ورڅخه سترګې نه سوځي؛ د افغانانو وینې تویول ورته ارزانه او بې پوښتنې ښکاري. دا صحیح ده چې افغانان له جګړو ستړي شوي. د دریو لسیزو پرله پسې جګړویې نور له جګړې زړونه تور کړي دي خو د دې څخه باید دا معنا وانه اخیستل شي چې ګویا افغانان اوس د پردیو برلاسي مني او هر څه چې پرې پردي کوي، دوی ته د منلو وړ دي، افغان ولس د سختیو او کړاونو سره عادت دی، ډېر ځلې له صبر او زغم څخه کار اخلي خو چې کله یې د صبر او زغم کاسه ډکه شي نو بیا خپل دوست او دښمن ډېر ښه پیژني او هرچاته د هغوی د عمل بدله هماغسې ورکوي چې څنګه ورسره خلکو کړې وي.

نو د سلواغې د شپږویشتمې کتاب چې د افغان ولس د پیژندګلوۍ مظهر دی باید هر هغه څوک یې وګوري چې د افغانانو سره یې ارتباط دی او ورسره غواړي چې تعامل وکړي. دا ځکه چې تاریخ د عبرت په نیت لوستل کیږي. هغه قوم کله هم د پوهې لیار نده نیولې چې له تاریخ څخه عبرت نه اخلي. هوښیاران هغه دي چې د ځان عزت د نورو په عزت کې وګوري او چاته په کم نظر ونه ګوري، د تاریخ په اوږدو کې ډیرو زورورو د کمزورو په توهین او سپکاوي سره خپل زور او برم له لاسه ورکړی دی، په جګړو کې په وسلو سمبالښت ارزین دی خو هغه رول چې د جګړو او مبارزو په ډګر کې مورال لري، هغه له هر څه ډېر اهمیت لري. افغانان بې وزله او له مدرنو وسلو او تکنالوژۍ څخه بې برخې دي خو مورالونه یې د هندوکش د غرو تر څوکو لوړ او اراده او هود یې له فولادو هم پیاوړې دی

آقای رئیس جمهور

دوران ریاست جمهوری شما در اول جوزای ۱۳۸۸ به پایان می رسد

دوران ریاست جمهوری وی در اول جوزا پایان می یابد یا در ماه قوس اگر کمی زحمت را بپذیرد و بدون توسل به همکاران شان با کمی تامل و با یک بارخواندن قانون اساسی و مخصوصا ماده شصت ویکم آن، شکی در ذهن وی باقی نمی ماند که دورهٔ ریاست جمهوری اش در اول جوزای ۱۳۸۸ به پایان میرسد و هیچ دستاویز و دلیل قانونی برای تمدید آن تا ماه قوس وجود ندارد. ادامهٔ حکومت وی پس از آن تاریخ غیری قانونی است.

۱ــ در مادهٔ شصت و یکم قانون اساسی ذکر شده است که دورهٔ ریاست جمهوری در اول میزان سال پنجم پایان می یابد. این مادهٔ قانون اساسی، صریح و قطعی بوده احتمال هیچ نوع تاویل و تفسیر را ندارد. طبق این مادهٔ قانون اساسی، دورهٔ ریاست جمهوری آقای حامد کرزی در سال پنجم حکومت وی، یعنی اول میزان ۱۳۸۸ پایان می یابد، پس از آن تاریخ باید کسی دیگری جای آقای کرزی را بگیرد. در هیچ جای قانون اساسی ذکر نشده است که دورهٔ ریاست جمهوری در افغانستان پنج سال کامل است و لازم است رئیس جمهور این پنج سال را تکمیل نماید.

بر اساس این ماده، دوران ریاست جمهوری می تواند پنج سال باشد و یا بیشتر و یا کمتر از آن، اما بر هر حال در اول جوزای سال پنجم پایان می یابد.

۲- رئیس جمهور نباید خود را زحمت دهد و با همکاران خویش به اصطلاح قانون دانان و مسؤلین مذاکره کند تا برای وی توضیح دهند که آیا دوران ریاست جمهوری اش در اول جوزای ۱۳۸۸ پایان می یابد یا در ماه قوس آن سال، چون آن قانون دانان و مسؤولین که اکنون بر کرسی های عالی دولت تکیه زده اند منافع خود شان را در نظر می گیرند نه اعتبار و شخصیت آقای کرزی را، منافع آنها ایجاب می کند، تا حاکمیت آقای کرزی ادامه یابد، با ادامهٔ حکومت، آن ها می توانند از فضای فساد آلود نظام بهرهٔ بیشتر برند و جای خالی جیب های شان را پر تر سازند.

آقای کرزی خودشان سر در گریبان فرو برند و در این باره فکر کنند، ایشان خوب تر می توانند، مصلحت ممکت خویش را تشخیص دهند و بدون شک به این نتیجه خواهند رسید که بهتر است در اول جوزای سال ۱۳۸۸ استعفا دهند تا یک حکومت موقت، به میان بیاید و انتخابات را سازماندهی و رهبری کنند. آقای کرزی می تواند در این هنگام مصروف مبارزات انتخاباتی خویش باشند، تا بدین صورت شفافیت انتخابات تضمین شود و از بحران جلوگیری گردد.

۳ــ اگر آقای کرزی متاسف هستند که نتوانسته اند پنج سال کامل ریاست جمهوری کنند و چند ماهی کوتاه آمده اند به یاد بیاورند که ایشان هفت سال است که رئیس جمهور اند و پیش از وی کسی دیگری نبوده که حق شان را ضایع کرده باشد.

اینکه دورهٔ ریاست جمهوری ایشان کمتر از پنج سال شده است، تقصیر آن متوجه خود شان است، چون هنگام بر گزاری نخستین انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۳ نیز ایشان در راس اقتدار بودند، لازم بود آن زمان ایشان باید چند ماه پیشتر این انتخابات را برگزار می کردند و اکنون می توانستند، پنج سال کامل را ریاست نمایند و حسرتی در دلشان بر جای نمی ماند.

عکس العمل های مجلس سنا

در برابر تلفات ملکی توسط نیرو های ائتلاف

استاد عبدالعلی کوهی/ استاد دانشکدهٔ ادبیات

در هفته یی که گذشت مجلس سنا تهدید کرد که در صورت تداوم حملات نیروهای ناتو بالای مردمان بیدفاع، دروازه های این نهاد تقنینی را تایک هفته به نشانه اعتراض خواهند بست. حتی بعضی از اعضای این مجلس اصرار داشتند که در صورت ادامه این وضع آنها حاضر اند، در برابر این نیروهای خارجی و آدم کش به مقاومت پرداخته و اعلام جهاد نمایند، که اینگونه اظهارات خشم و نا امیدی اعضاء این نهاد تقنینی را نشان میدهد.

در مجلس بزرگ ملی، که به هدف تصویب قانون اساسی کشور در سال (۱۳۸۲) که در آن لایه های مختلف از اقوام و قبایل افغانستان در شهر کابل حضور یافته بودند؛ برای نخستین بار صدای قانونمند شدن نیروهای خارجی در افغانستان، مطرح شد، که در حقیقت عرصهٔ فعالیت ها، نحوهٔ کار و مسؤلیت این نیروها هدف آن بود.

اما در آن زمان عده یی که در رویاهای غرور قدرت به سر می برند این پیشنهاد را نادیده گرفتند. امروز که دیگر آن خمیازه های قدرت رو به افول گذاشته است، از قانونمند شدن نیروهای خارجی سخن گفته می شود و این سخنان در شرایطی عنوان میگردد که دیگر نیروهای ائتلاف و خارجی، با جنگ تمام عیار روبرو اند مردمان بی دفاع و ملکی مورد هدف قرار می گیرند.

طوری که می دانیم آنهایی که در برابر دولت دست به قیام مسلحانه زده اند انگیزه های مختلف دارند. نبود یک حکومت مردم سالار و قانونی، نبود عدالت اجتماعی، کمرنگ بودن سیادت ملی از همان آغاز، زمینه های این شورش ها را فراهم ساخته است.

احزاب سیاسی، نیرو های جهادی، شخصیت های با اعتبار ملی کشور، نهاد های مدنی و قانونی، امروز از قانونمند شدن این نیرو ها سخن می گویند. شورای ملی ظرف سال های اخیر، نگرانی خویش را در این خصوص ابراز داشته، وزارت های دفاع ملی، داخله و ریاست امنیت ملی را مورد باز پرسی قرار داده اند، هر دو مجلس قانونگذاری، طرح هایی را نیز به منظور کاهش تلفات افراد ملکی به وزارت های ذیربط تحویل داده اند که فرایند آن محسوس نبوده است. به همین گونه رئیس جمهور کرزی در برابر حوادث و تلفات ملکی در شیندند، خوست، زابل، هلمند و... از خود عکس العمل نشان داده و نیروهای ائتلاف و ناتو را مورد ملامت قرار داد. اما ناتو هیچگاه به این سخنان اهمیت نداد و به عملیات خود سرانه خود، تا هنوز ادامه میدهد و در برابر حکومت افغانستان و تخطی هایشان، خود را مسؤول نمیدانند.

در هفته یی که گذشت مجلس سنا تهدید کرد که در صورت تداوم حملات نیروهای ناتو بالای مردمان بیدفاع، دروازه های این نهاد تقنینی را تایک هفته به نشانه اعتراض خواهند بست. حتی بعضی از اعضای این مجلس اصرار داشتند که در صورت ادامه این وضع آنها حاضر اند، در برابر این نیروهای خارجی و آدم کش به مقاومت پرداخته و اعلام جهاد نمایند، که اینگونه اظهارات خشم و نا امیدی اعضاء این نهاد تقنینی را نشان میدهد. این سخنان در مجلس سنا وقتی مطرح گردید که در هفته گذشته نیروهای ائتلاف از طرف شب بر یک خانه در ولسوالی شهر صفا، شش تن از ساکنان این خانه را کشتند و تعدادی را با خود بردند. باید یک طرح جامع و قابل قبول برای حضور نیروهای خارجی، مکان هایی که آنها در افغانستان جا بجا میشوند و شیوهٔ عملیات آنها توسط پارلمان کشور، تصویب گردد تا از این طریق جلو حملات خود سرانه و کشتار افراد ملکی گرفته شود، به گفته شماری از اعضای شورای ملی، روشنفکران و بزرگان کشور تا وقتی قانون مشخص در مورد عملکرد نیروهای خارجی از سوی پارلمان تصویب نگردد، آنها نمیتوانند جلو انحرافات آنها را بگیرند. امروز آنها هر طوری که بخواهند عمل میکنند و کشور را به یک اردوگاه جنگی تبدیل نموده و مردمان ملکی در افغانستان در نظر این نیروها، به مثابه امیران جنگی تلقی میشود. در صورت موجودیت یک چنین قانون در مورد خود فعالیت آنها، این کشور میتواند، تخطی گران خارجی را محاکمه کنند. مجلس سنا تا کنون دهها اعلامیه را در رابطه به توقف کشتار افراد ملکی نشر کرده است، اما تا اکنون از آن کدام نتیجهٔ ملموس بدست نیاورده است.

موضوع دیگری که مردم افغانستان را نسبت به این نیروها به تردید هایی وا داشته است، همانا تلاشی و خانه پالی خود سرانه این نیروها از منازل شخصی مردم است، که نتیجهٔ این کار جز خشم و بد بینی در برابر این نیروها چیز دیگری بوده نمیتواند و این در حالی است که وزارت دفاع ملی چندی پیش نامه ۱۱ ماده یی را به وزارت دفاع امریکا و ناتو فرستاده، تا مسؤولیت تلاشی خانه های مردم را به اردوی ملی و یا نیروهای امنیتی دولت افغانستان، گذاشته شود. در این نامه آمده است که افزایش تلفات افراد ملکی و تلاشی خانه های مردم توسط نیروهای ائتلاف، حساسیت هایی را در میان مردم افغانستان به وجود آورده و بر میزان خشونت افزون شود و موجب تحکیم صفوف مخالفان در برابر حکومت خواهد گردید.

مجلس سنا به این باور است که در حال حاضر، هر سه قوه در افغانستان دارای نظرات مشابه و مشترک در بارهٔ جلوگیری از تلفات ملکی دارند و باید با استفاده از این فرصت، قانون مشخص برای نحوهٔ فعالیت نیروهای خارجی در افغانستان تصویب گردد. به همینگونه حامد کرزی در کنفرانسی که بان کی مون سر منشی عمومی سازمان ملل متحد در کابل داشت، اظهار داشت که کشمکش بر سر تلفات ملکی، اساس ترین دلیل اختلاف حکومت افغانستان با امریکا بوده است. آقای کرزی نیز علاوه نمود که اختلاف حکومت افغانستان پس از حوادث شندند هرات، شنوار ننگرهار افزایش یافته است؛ زیرا وی از نیروهای خارجی به شدت انتقاد کرد وخواستار قطع چنین حملات بر مردم افغانستان شد.

کانکور ...

اما شفافیت و درستی امتحان کانکور و امکان و احتمال تقلب در مراحل مختلف آن، همواره مورد شک و تردید بوده است! اکثر اوقات در مورد بیرون کشیدن سوالات امتحان کانکور یا کمک ممتحین به داو طلبان در صحنه های امتحان و یا در هنگام نمره دادن به آنان افواهات و شک و تردید هایی وجود داشته که زمانی بیشتر و زمانی کمتر بوده است

امکان و احتمال هر گونه تقلب از بین می رود و همگان به صحت، سلامت و درستی امتحان و نتایج آن اطمینان می داشته باشند و از آن راضی و قانع خواهند بود. در مورد امتحان کانکور بد نیست تا خاطره ای از دوران هجرت را باز گونمایم!

من شش سال در پوهنتون دعوت و جهاد متعلق به مجاهدین در پشاور استاد بودم. برخلاف تبلیغات وسیعی که علیه مجاهدین صورت گرفته، صرفا بخش نظامی و جهاد مسلحانه برضد اشغالگران و رژیم دست نشاندهٔ آن، مورد توجه مجاهدین نبوده وهمه در این بخش مشغول نبودند، بلکه به امور فرهنگی و تعلیمی نیز توجه جدی مبذول می گردید و در کنار صدها مکتب پسرانه و دخترانه، پوهنتون ها نیز وجود داشت و یک پوهنتون مخصوص خواهران بود که به نام امهات المومنین توسط جمعیت اسلامی افغانستان تأسیس گردیده بود.

من در شش سالی که استاد پوهنتون بودم، سه سال اول مدیر عمومی محصلین و سه سال اخیر معاون فاکولتهٔ ادبیات و علوم اجتماعی و نمایندهٔ انتخابی این فاکولته در شورای عالی پوهنتون نیز بودم. باید گفت که این پوهنتون گرچه متعلق به مجاهدین بود ولی دروازه های آن بروی همگان باز بود. هر افغان فارغ صنف دوازدهم از لیسه های محیط هجرت با ارائهٔ اسناد معتبر می توانست در امتحان کانکور شرکت کند و همه استادان مهاجر می توانستند که با ارائهٔ اسناد معتبر و تزکیه به حیث استاد پذیرفته شوند و عضویت در یک تنظیم جهادی شرط نبود، بلکه هر افغان مهاجر این حق را داشت که به حیث محصل یا استاد پذیرفته شود.

هر استاد اسناد خویش را به دیپارتمنت مربوطه ارائه می کرد و پس از سپری نمودن امتحان عملی یعنی ارائهٔ کنفرانس یا درس نمونه پس از تصویب شورای استادان فاکولته و منظوری شورای عالی پوهنتون، پذیرفته می شد و استادان سابقه دار پوهنتون های افغانستان فقط در صورت نیاز فاکولته و بدون امتحان پذیرفته می شدند و رتبه های علمی آنان نیز محفوظ بود مگر اینکه در دورهٔ تجاوز شوروی آنرا بدست آورده بودند که با یک رتبه تنزیل پذیرفته می شدند و این باعث اختلاف و بحث و مناقشه در شورای عالی پوهنتون گردیده بود.

بر گردیم به اصل مطلب و شفافیت و صحت امتحان کانکور! بنده می توانم به جرأت و اطمینان ادعا نمایم که امتحان کانکور برای ورود به پوهنتون دعوت و جهاد، در تاریخ افغانستان بی نظیر بود.

عصر یکی ازروز های نزدیک به امتحان، یکی از دکتوران هموطن که در نزدیک محلهٔ ما معاینه خانه داشت، به منزل ما آمد و گفت که برای صرف چای وقت ندارم و فقط یک چیز را از شما می خواهم و آن اینکه فرزندم... را در فاکولتهٔ طب شامل سازید!

خواستم که چیزی بگویم، اجازه نداد و گفت که من سال ها در طب ننگرهار استاد بودم و ده ها امتحان کانکور را نظارت کرده ام، داکتر... را می شناسی؟ گفتم: بلی! گفت: آیا او داکتر نیست؟ گفتم: هست. گفت: نه ، او داکتر نیست بلکه من او را داکتر ساخته ام. بعد نام یک داکتر دیگر را گرفت و پرسید آیا او داکتر نیست؟

گفتم که بلی هست. گفت: نه، من او را داکتر ساخته ام، او ادامه داد: این ها همشهری من بودند و در جریان امتحان کانکور درپاسخ به سوالات ایشان را کمک و رهنمایی کردم و در نتیجه در طب ننگرهار پذیرفته شدند. و امروز داکتر هستند!

من با الحاح از او خواستم تا دقایقی به حرف های من گوش دهد و از طرز کار امتحان کانکور در پوهنتون دعوت و جهاد آگاهی یابد.

به او توضیح دادم که:

چون امتحان کانکور معمولاً در روز های جمعه برگزار می گردد، روز چهار شنبه از همه استادان خواسته می شود تا فرد (پنجشنبه) همه به پوهنتون حاضر شوند، خواه درس داشته باشند یا نه!

استادان باید به خانه های خود بگویند که شب جمعه احتمال دارد به منازل بر نگردند و مشغول تدارک امتحان باشند.

همان است که به روز پنجشنبه همه استادان در پوهنتون حضور می یابند و کمیتهٔ امتحانات از هر دیپارتمنت دو استاد را انتخاب می کند تا سوال های مضمون مربوط را تهیه نماید و به همین ترتیب برای نظارت بر صحنه های امتحان کانکور نیز مسؤلین و استادان را موظف می سازد. دو استاد از هر دیپارتمنت در یک مرکز جمع می شوند و استادان دیگر بعد از وقت رسمی مرخص می گردند.

در این مرکز در بسته تمام وسایل چاپ و نشر، کتاب های درسی، و سایر مواد از قبل آماده می شود و همه استادان موظف به تهیه سوالات در این مکان در بسته که همه وسایل ارتباط با خارج از مرکز قطع شده، به کار مشغول می شوند.

تیلفون ها نیز قطع است ـ در آن زمان تیلفون موبایل به وجود نداشت ـ نماز جماعت نیز در این مرکز ادا می شد و استادان اجازه نداشتند به مسجد بروند. غذای چاشت، شب و صبح نیز در این مراکز تهیه می شد کسی هم نمی توانستند از بیرون داخل این مرکز شود...

تا نیمه های شب سوالات آماده و توسط وسایل چاپ تکثیر و بسته بندی می شود و در پاکت های مهر شده ساعت ۸ صبح به صحنه های امتحان برده می شود و آنگاه استادان محصور در این مرکز اجازه می یابند از مرکز خارج شوند. این در حالی است که سوالات به صحنه های امتحان رفته و این استادان و همه استادان دیگر ـ جز موظف در صحنه های معین ـ اجازه ندارند داخل صحنهٔ امتحان شوند! در صحنه های امتحان نیز یک استاد عالیرتبه به حیث مسوول در جریان امتحان نظارت می کند صنف ها به استادان توزیع می گردید. هیچ استاد اجازه نداشت تا صنف خود را رها کرده به صف های دیگر برود. پس امکان و احتمال رابطهٔ استادانش که سوال ساخته اند با داوطلبان به کلی قطع است وبسیار احتمال دارد و شاید نادر باشد که یک استاد موظف در صف یک صحنهٔ امتحان، فرد مورد نظر یا پسر و خویشاوند خویش را در همان صف بیابد و به او کمک کند و آنهم به دور از نظر ناظر و مشرف صحنه!

بعد از جمع شدن پارچه های امتحان، کمیته های سه گانه یکی پی دیگر این پارچه ها را می بینند و نمره می دهند و بازهم امکان ندارد که کمیته های سه گانه هم بخواهند یا بتوانند که یک داوطلب مشخص را کمک نمایند!

همان بود که پسران روسای پوهنحی ها در امتحان کانکور کامیاب نشدند و کسی نخواست و یا نتوانست که آنان را کمک نماید و این شیوهٔ امتحان و نظارت و مدیریت آن یکی از شیوه های بارز و ممتاز و از افتخارات دوران جهاد و هجرت و پوهنتون دعوت وجهاد است.

امید واریم که امتحان کانکور برای پوهنتون ها در داخل کشور ما نیز همان شیوه را در پیش گیرند و به مردم از صحت، درستی و شفافیت امتحان کانکور اطمینان بدهند.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما به جان ومال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکوکاران است

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد.
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم - سال هفتم - شمارهٔ سی و ششم شنبه ۲۶ دلو ۱۳۸۷- ۱۸ صفر ۱۴۳۰ - ۱۴ February۲۰۰۹

نماینده اوباما با مقامات امنیتی کشور دیدار کرد



ریچارد هولبروک، نماینده ویژه رئیس جمهوری امریکا در امور افغانستان و پاکستان با مقامات ارشد افغانستان دیدار کرده است.

آقای هولبروک، به تاریخ ۲۴ دلو وارد کابل شده بود با عبدالرحیم وردک، حنیف اتمر و امرالله صالح، دیدار و گفتگو کرد.

جزئیات این دیدار تا حال منتشر نشده، اما دیدار آقای هولبروک با مقامهای ارشد امنیتی افغانستان در آغاز سفر به کابل، نشانهٔ روشنی از اهمیت مسائل امنیتی این کشور در ماموریت اوست.

بر اساس بررسی های رسمی که در بارهٔ اوضاع امنیتی افغانستان انجام شده، اوضاع امنیتی در چند سال اخیر رو به وخامت داشته است. افزایش موارد بمبگذاری انتحاری در مناطق مختلف و گسترش دامنهٔ جنگ به مناطق جنوبی و شرقی کشور تا حد زیادی باعث تردید مردم نسبت به بهبود اوضاع امنیتی این کشور شده است.

آقای هولبروک در سفر چهار روزه خود به پاکستان با رهبران آن کشور گفتگو و اعلام کرد که آمریکا در مبارزه با تروریسم دولت پاکستان را کمک مالی خواهد کرد.

او همچنین تاکید کرد که پناهگاه های تروریستی باید در مناطق مرزی شمال غرب پاکستان نابود شود.

گفته می شود این سفر آقای هولبروک برای "حقیقت یابی" است. آقای هولبروک گفته است که او برای "شنیدن و آموختن" پیش از ارائه گزارش به باراک اوباما و هیلاری کلینتون، وزیر خارجهٔ آمریکا به منطقه سفر کرده است. او پیش از این اوضاع پاکستان را "ناراحت کننده" خوانده بود.

قرار است آقای هالبروک، علاوه بر حامد کرزی با رهبران جبههٔ ملی و نهادهای جامعهٔ مدنی نیز دیدار و گفتگو کند.

این نخستین سفر آقای هولبروک به افغانستان پس از انتصاب به عنوان نماینده ویژه باراک اوباما در امور افغانستان و پاکستان است.

رئیس جمهور ایران آمادگی مشروط کشورش را در مذاکره با امریکا اعلان کرد

روز سه شنبه، ۲۲دلو محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری ایران، که در مراسم سی امین سالگردپیروزی انقلاب اسلامی ایران سخن می گفت، آمادگی کشورش را جهت مذاکره با دولت امریکا اعلان کرد اما افزود باید تغییرات اساسی در سیاست امریکا به میان بیاید.

وی به دولت آمریکا توصیه کرد تا نگاه و رفتار خود را به طور اساسی تغییر دهد و افزود "دنیا علاقه ندارد دوران تاریک آقای بوش تکرار شود و ما حتی نمی خواهیم ملت



آمریکا هم بدنام و سرافکنده باشد."

رئیس جمهور ایران این سخنان را پس از آن گفته است که روز دوشنبه باراک اوباما، رئیس جمهوری جدید آمریکا، در نخستین نشست خبری خود از زمان تصدی این سمت، ضمن ابراز تمایل به گفتگوی مستقیم با ایران، ابراز امیدواری کرد که این مذاکرات در آینده نزدیک برگزار شود.

رئیس جمهوری ایران در بخش دیگری از سخنان خود کشورش را ابرقدرت خواند و افزود ما خود را برادر ملت های دیگر به خصوص ملت های منطقه می دانیم و با آنها روابط دوستانه د اریم، اما هشدار داد که "دشمنان این روابط دوستانه را نمی پذیرند و نمی پسندند و اصرار دارند با تحمیل برخی رفتارها، برخی از دولت های منطقه را در برابر ملت های خود قرار دهند و آنها را شریک جرم خود کنند."

آقای احمدی نژاد گفت که شماری از دولت های منطقه در سال های اول انقلاب و جنگ با عراق، با ایران خصومت ورزیدند اما بعدا پشیمان شدند و افزود "ملت ایران بزرگواری کرد و این اشتباه را به رخ آنها نکشید."

آقای احمدی بخش عمده ای از سخنرانی خود را به تحولات ایران در خلال سی سال گذشته اختصاص داد و از جمله با اشاره به آنچه که تهدیدهای گذشته دشمنان در مورد حمله به ایران می خواند گفت "با صدای بلند اعلام می کنم که اکنون به لطف الهی و با ایستادگی ملت ایران، سایه تهدید برای همیشه از سر ملت ایران برداشته شده است."

به گزارش رسانه های خبری ایران، به مناسبت سی امین سالگرد انقلاب شهرهای مختلف شاهد راهپیمایی ها و گردهمایی بزرگی بوده و در تهران این مراسم با حضور شماری از مقامات ارشد جمهوری اسلامی و سخنرانی رئیس جمهوری درمیدان آزادی برگزار شده است.

پس از روی کار آمدن دولت جدید در امریکا، گفتگو رسانهٔ رهبران دو کشور آغاز گردیده و تحلیل گران ابراز امیدواری می کنند که تنش در روابط دو کشور در آینده از میان بـرودو زمینه همکاری امریکا و ایران در مسایل منطقه یی از جمله افغانستان به میان بیاید.

اما بدون شک دشواری های فراوان نیز در زمینه وجود دارد، تیرگی روابط میان دو کشور سه دهه سابقه دارد، و برنامه های هسته یی ایران، بحران فلسطین و اختلافات دیگر دو کشور می تواند موانع جدی بر سر عادی سازی روابط ایجاد کند.

مردم افغانستان نا امیدتر از گشته

نتیجهٔ یک نظرخواهی که روزدوشنبه ۲۱دلوانتشاریافت نشان میدهدکه مردم افغانستان بیشترازگذشته به آینده مایوس شده اند.

این نظرخواهی که با فرمایش بی بی سی، رادیو تلویزن دولتی آلمان و شبکهٔ خبری ای بی اس، توسط مؤسسهٔ نظر سنجی امریکا صورت گرفته است، تنها ۴۰ درصد مردم فکر می کنند که افغانستان در جهت درستی در حرکت است.

در نظر خواهی سال گذشته ۵۴ درصد و در نظر خواهی سال۲۰۰۵، ۷۷ درصد از وضعیت کشور راضی بودند.

براساس این نظرخواهی ۵۰ درصد ازپرسش شوندگان گفته اند فساد درمیان مقامات دولتی افزایش یافته و۶۳ درصد از فساد مأموران دولتی در مناطق محل زیست شان شکایت کرده اند.

براساس این نظرسنجی ۹۱ درصد مردم با پاکستان دیدگاه نامساعد نشان دادند و۶۷ درصد گفتند پاکستان باطالبان همکاری دارد. براساس این نظرسنجی ۴۱ درصد با ایران نظر نامساعد نشان دادند. **ادامه درص۵**



کانکور

محمد نسیم فقیری

امتحان کانکور یکی از امتحان های مهم دورهٔ زندگی تحصیل یافتگان است. در کشور ما همه فارغان صنف دوازدهم که قصد ادامهٔ تحصیلات را دارند، مجبورند تا امتحان کانکور را سپری کنند و پس از آن به فاکولته های دلخواه - در صورتی که نمرات شان مناسب باشد- راه یابند.

اما شفافیت و درستی امتحان کانکور و امکان و احتمال تقلب در مراحل مختلف آن. همواره مورد شک و تردید بوده است! اگر وقت در مورد بیرون کشیدن سوالات امتحان کانکور با کمک ممتحین به داو طلبان در صحنه های امتحان و یا در هنگام نمره دادن به آنان افواهات و شک و تردید هایی وجود داشته که زمانی بیشتر و زمانی کمتر بوده است. این ها همه رابطه دارد به سالم بودن نظام سیاسی، اداری و تعلیمی کشور. هرگاه یک سیستم خوب و درست وجود داشته باشد: **ادامه درص۷**